

سرزمین تاریخی ضلع متّحده پورنیا و فارسی‌دانی

عبدالحلیم اخگر*

سرزمین جنت‌نشان ضلع متّحده پورنیا، یکی از اضلاع سرسبز و شاداب و پرآب و رنگ و بوی استان بهار کشور هند است که از لحاظ زرخیزی زمین، آب و هوا، تاریخ و ادبیات و فرهنگ و شیوه میهمان‌نوازی و پذیرایی آنان نظیری ندارد. با وجود این اوصاف حمیده که داراست به سبب نا آگاهی عمومی پژوهشگران از تاریخ پر عظمت و دور بودنش از مرکزهای علمی و ادبی مقام مناسب و حائز اهمیت را در میان مردم روشنفکر نتوانست برای خود پیدا کند و مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی عموم گشت. از آثار پراکنده، بناهای شکسته تاریخ و خرابه‌های موجود آن برمی‌آید که این ضلع از سال‌های ۱۹۰۵-۱۷۱۱ میلادی و روی هم رفته قبل از استقلال هند در سال ۱۹۴۷ میلادی باهم بودند بلکه خیلی کم از اضلاع هند هستند که به پای بزرگی آن برسند. هرگوشه آن شواهد آثار تاریخی هنوز باقیست که می‌تواند مورد استفاده دانشجویان رشته ادبیات و تاریخ باشد.

تاریخ هند و مورخان تاریخ هند باستان بر این باورند که بهار از نظر عظمت، بزرگی و قدمت و نیز از لحاظ تاریخ پرشکوه گذشته کمتر از استانهای دیگر هند نیست و تاریخ باستانی این ایالت از همان زمان شروع می‌شود که تاریخ هند آغاز می‌گردد. براساس بعضی نوشته‌ها و کتاب‌های معتبر دینی اهل هنود (وداها) وجود هندوستان

* دانشیار بخش فارسی جامعه ملّیه اسلامی، دهلی‌نو.

۱. ضلع متّحده پورنیا، فعلاً در چهار ضلع منقسم است: پورنیا، کتیهار، کَشَن گنج و آرژیا. ان‌شاءالله در مقاله دیگری درباره سهم و گسترش دادن زبان فارسی آنان یکی یکی صحبت خواهد شد.

(آریاروت) هزاران سال قبل از پیدایش عالم به ظهور آمده است. اگر این دلیل را معتبر می‌شماریم پس وجود هند به اعتبار آفرینش از تمام عالم قدیم‌تر خواهد بود و اگر هند از تمام عالم قدیم‌تر محسوب شود، پس ایالت بهار نیز به همان اندازه قدیم است و همچنین ضلع پورنیا نیز چون ریشه قدمتش به وجود تاریخ هند می‌رسد. به‌رحال ضلع پورنیا یک سرزمین تاریخی هند به‌شمار می‌رود و در زمان‌های دور مسکن صدها قوم و نسل و پایتخت پادشاهان قدیم و عهد وسطی بوده است. اقوامی که در این سرزمین پهناور ایالت بهار اقامت گزیده‌اند از این قراراند: قوم راج هنسی، کیرات، جین، بهیل و پول... علاوه بر این گروهی از نسلهای آریایی به نام پنداری و انگانه که از طرف کوه هماله آمده سکونت اختیار کرده بودند و از تاریخ پورنیا شواهدی دلالت بر آن می‌کند که تقریباً ۷۰۰ سال قبل از ظهور حضرت عیسی این قوم‌ها بر پورنیا (پورنیه) حکم فرمایی می‌کردند.^۱ از آن جمله خرابه‌های عمارت تاریخی ۲۵۰۰ ق. م. مانند خرابه دهره‌را، اسوره گره^۲، بری جان گره، بینو گره، تاکهنا گره، قلعه راجا^۳ بیرات و رانی^۴ کرتی و راجا کرن و بهیم بهاله، به‌طور خاص قابل ذکر هستند و کسانی که چشم بصیرت دارند صدها سامان عبرت در آن مکان‌ها برای ایشان وجود دارد و به‌مصدق مصرع:

آثار پدید است صنایع عجم را

به‌رحال در زمان‌های قدیم در پورنیا از نام «مچه دیس» یعنی استان ماهی‌داران، «کیرات دیس»، «انگا دیس» یاد می‌شد. همچنین از گذشته بسیار دور «درست جگ» واقعه ظاهر شدن یکی از خدایان که پیروان دین هنود به آن عقیده دارند به‌صورت شیر از مناری اتفاق افتاده بود و آن منار در سرزمین پورنیا وجود دارد و جایی که این منار قرار دارد با نام «منار مانک تهام» یاد می‌شود. همین‌طور قهرمان داستان رزمی مهابهارتا، هر پنج برادر خانواده «پاندو» در زمان تبعید و جلای وطن در دربار و قلعه شاه بانو

۱. «اهمیت تاریخی پورنیه» از پندت کرتیانند بیوگی، مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ میلادی.

۲. گره به معنی قلعه به‌کاربرده شده است.

۳. راجا یعنی پادشاه.

۴. رانی یعنی شاه بانو.

کرتی پناه یافته بودند و در حال حاضر این قلعه در منطقه «بهادر گنج» که قبل به ضلع پورنیا پیوسته بود هنوز وجود دارد و جایی که یکی از برادران «پاندو» به نام «بهیم» استراحت نموده بود به نام «بهیم تکیه» یعنی باش بهیم خوانده می شود و من با چشم خود آنجا را دیده ام.

علاوه بر آن، قبل از تولد مسیح، پادشاهی مگد (Magadh) یعنی بهار فعلی بر عهده بهیم بسار بود که گوتاما (بودا) در زمان او متولد شده بود. بعد از آن سمندر گپت حکومت را در دست گرفت و تقریباً ۶۴۷ سال پادشاهان پیروان دین بودا بر آن سرزمین پادشاهی کردند. بعد از آن از تاریخ پورنیا اطلاعاتی در دست نیست. ولی از سال ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی دودمان «پالا» و «سینا» بر این خطه حکمرانی می کردند و از سال ۱۲۰۰ میلادی به بعد به تصرف پادشاهان مسلمان درآمد و تا سال ۱۷۱۲ میلادی ادامه یافت.^۱

بعد از ورود پادشاهان مسلمان به هند، دودمان غزنویها، مملوکها، خلجیها، لودیها و روی هم رفته مغول بر سرزمین هند حکمرانی کرده اند و کم و بیش همه این خاندانها از حامیان زبان و ادبیات فارسی بوده اند و در نتیجه تشویق و نوازشی که نسبت به شاعران و علما و فضلا و ادبا روا داشتند تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان و صاحبان فضل و کمال از مناطق مختلف جهان اسلام به سرزمین هند وارد شدند و خدمات شایانی در زمینه ادبیات و تاریخ انجام دادند. ضلع پورنیا نیز از فیضشان بی نصیب نماند.

قبل از همه بختیار خلجی فاتح مناطق شرقی هند، ایالت بهار را به تصرف خود آورد و بنابر بعضی از شواهد، ظهور اسلام در این منطقه هند، از زمان بختیار خلجی آغاز گردید. از سلطان قطب الدین ایبک تا دوره شاه داود خان که یکی از شاهان خود مختار و مستقل بود، «خاص پور تاندا» را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. «خاص پور تاندا» هم اکنون در ضلع مالدی در ایالت بنگال است ولی در آن وقت یکی از مضافات پورنیا بود و اهمیت آن نیز مانند «لکهنوتی (گور)» و «پندوا شریف» بوده است که

۱. «پورنیه در عهد گذشته» از مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ میلادی.

سلاطین خود مختار و مستقل و آزادی مانند محمد خان، خضر خان، جلال‌الدین خان، تاج خان کرمانی، سلیمان خان کرمانی، بایزید خان کرمانی و داود خان افغان آنجا را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کرده بودند.

در زمان پادشاه مغول، پورنیا به‌عنوان «سرکار سرحدی» یعنی «دولت نظامی حد فاصل» ایالت بنگال و بهار بود. بنابراین برای حفاظت و نگهداری ایالت بهار در پورنیا، فوجداری (استانداری) از جوانب سلطنت‌های مرکزی مأمور می‌شد. اگرچه این فوجداران از لحاظ مقام و منزلت نسبت به استانداران کم‌رتبه بودند ولی باز هم بعضی از ایشان کارهای دولتی را با شأن و شکوه تمام انجام می‌دادند و به‌سبب قدرت و نفوذشان از لحاظ قوای لشکری خودسر و خودمختار بودند و به‌طور آزادانه و بدون دخالت دولت مرکزی کارهای دولتی را انجام می‌دادند و تا سال ۱۷۷۰ میلادی بر این منطقه با نظم و انضباط دقیق حکمرانی کردند. از میان معروف‌ترین و پرستعدادترین فوجداران پورنیا می‌توان از نواب معین‌الدین سیف خان که سیف گنج (شهر کتیهار فعلی) را آباد کرد، نواب احمد سعید صولت‌جنگ (۹-۱۱۶۱ هـ) و فرزندانش شوکت‌جنگ (۷۰-۱۱۶۹ هـ)، مهین یار خان، خادم حسین خان، میر قاسم خان و شیر علی خان نام برد. تقریباً ۱۷ فوجدار بر پورنیا حکومت کرده‌اند و قیاس می‌رود که در زمان ایشان ضلع پورنیا حتماً جولانگاه زبان و ادبیات فارسی گشته بود چون وجودشان در دربار، لازمه دربار تصور می‌شد. این به‌سبب آن بود که علما و فضلا، ادبا و شعرای برجسته وابسته به‌دربار ایشان بودند و خدمات گرانقدری را در زمینه زبان و ادبیات فارسی انجام می‌دادند. فوجداران پورنیا به‌خصوص صولت‌جنگ از صاحبان کمال و ادیبان در هر زمینه بسیار دلجویی می‌کرد. حضور مورخ معروف نویسنده «سیرالمتأخرین» سید غلام حسین در دربار صولت‌جنگ بر قدردانی او از صاحبان فضیلت دلالت می‌کند. چون او در برابر خدمت این مورخ «پرگنه سری‌پور» را به‌موصوف سپرد که به‌طور مستقل بر آن حکمرانی می‌کرد. غلام حسین راجع به‌قدردانی و نوازشی که نسبت به‌او نشان داده شده و برای دیگران هم بود در سیرالمتأخرین به‌تفصیل سخن گفته است و می‌نویسد که:

”بر فقیر نهایت نوازش داشت. تأکید کرده بود که در آن وقت هم حاضر شوم و از استماع سخنان من بسیار خوش بود و در سفر و حضر به‌ضرورت با دیگران

سخن می‌گفت و آلا همه وقت مکالمه با فقیر و روی سخن و گوش سماعت به‌سوی من داشت به‌نحوی که دیرینه رفقای کهن سال او حیرت داشتند که این جوان چه سحر به‌کاربرده است که با غیر او التفاتی ندارد^۱.

ضمناً عرض شود که سیرالمآخرین در سه جلد است و تاریخ مبسوط و مفصل و مستند هند به‌شمار می‌رود و به‌قول نویسنده تاریخ هند، نل، اقتباسات زیادی در تاریخ هندوستان از آن شده است^۲ و جلد دوم این کتاب مشتمل بر تاریخ بنگال و بهار و اوریسه است و تقریباً ۳۵۰ صفحه دارد.

به‌رحال از تاریخ سیرالمآخرین برمی‌آید که مباحثه علمی و شعر و سخن در دربار صولت‌جنگ همواره در جریان بود و او از سخنان علما و ادبا و شعرا خیلی لذت می‌برد و آنها را مورد نوازش فراوان قرار می‌داد. علما و ادبای معروف دیگر که وابسته به‌دربارش بودند از این قبیل‌اند: ملّا غلام یحیی، مفتی ضیاءالدوله، میر وحید، مولوی لال (لعل) محمد، شیخ هدایت‌الله و سید عبدالهادی^۳... و مشعل‌هایی که پادشاهان و امیران و فوجداران تا به‌سال ۱۷۷۰ میلادی در سرزمین پورنیا و ایالت بهار روشن نگاه داشته بودند بعدها هم با همان تابناکی روشن ماند و نور لرزان آن مشعل، شاعران و نویسندگان دیار پورنیا را تشویق می‌نمود تا در راه غنی کردن سرمایه ادبیات فارسی و راه پیشرفت و ترقی آن گام بردارند. در نتیجه آن شاعران و نویسندگان برجسته از این سرزمین سرسبز و شاداب و جنت‌نشان برخاستند، و خدمات شایانی در زمینه ادبیات فارسی انجام دادند.

یکی از این شاعران برجسته مولوی عبدالعزیز بود. این شاعر بزرگ در هر دو زبان فارسی و اردو شعر می‌سرود و دیوانی در فارسی از خود به‌یادگار گذاشته است. او عزیز تخلص می‌کرد. کلیات عزیزی مجموعه کلام اوست که مشتمل بر بیش از ۲۰۰ صفحه است. در ناحیه «پلاس منی» چشم به‌جهان گشود و پسر الحاج منشی فرید

۱. طباطبایی عظیم‌آبادی، نواب سید غلام حسین بن نواب میر هدایت علی خان طباطبای: سیرالمآخرین، ص ۶۰۰.

۲. پرواز اصلاحی: «دیار پورنیه مین چند ماه»، مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ م.

۳. سیرالمآخرین، ص ۶۰۰.

بخش قاضی معروف پلاس منی در بهادر گنج بود. تعلیمات مقدماتی خود را نزد پدر آموخت و در سال ۱۸۸۸ میلادی از دانشکده پورنیا فارغ‌التحصیل شده، مدیر مدرسه دانشگاهی University College شد و متأسفانه فقط ۳۰ سال زندگی کرد. از آغاز عمرش شعر می‌سرود و در جوانی به‌عنوان شاعری قادرالکلام مشهور گشت. گاه‌گاهی در زبان اردو نیز شعر می‌سرود. نمونه کلامش که از کلیات عزیزی انتخاب شده است از این قرار می‌باشد و خواننده شعرشناس تسلط او را در زمینه‌های هنر سخنوری از روی این نمونه به‌درستی درمی‌یابد:

بیا ساقی به‌جانم ریز باده دمبدم اکنون

که جز یزدان نداند هیچ کس احوال فردا را

*

در حیرتم که جان به‌جانان نمی‌رسد در حسرتم که دست به‌دامان نمی‌رسد
چون روز شد سفید مرا مشک سا لیکن شب فراق به‌پایان نمی‌رسد
محروم مانده‌ایم ز لعل گهر فشان آری که گنج شه به‌گدایان نمی‌رسد

*

چهره آن گل‌گذارم آرزوست مرهمی سینه فگارم آرزوست
تربتم در کوی تو باید مرا همچنین لیل و نهارم آرزوست
این گل و گلشن چه کار آید مرا بوسه آن گل‌گذارم آرزوست

*

از رخ دلبر گل و گلزار یاد آید مرا
از مه و خورشید آن رخسار یاد آید مرا
در گلستان چون روم از بهر گلگشت چمن
از نهال سرو قد یار یاد آید مرا
پا به‌زنجیری شدم در کاکل و موی صنم
کز شمیمش نافه تاتار یاد آید مرا
نیست باقی در وجودم در غمش جز استخوان
از رگ من تار زلف یار یاد آید مرا
چون روم در باغ جنت بعد مردن ای عزیز
هم در آنجا این گل و گلزار یاد آید مرا

یکی دیگر از شاعران برجسته آن دیار حضرت مولانا محمد حفیظ الدین بود. مولانا ذوق فراوان شعرسرایی داشت و لطیفی تخلّص می کرد. اهل «رسول پور» در ناحیه پورنیا بود و تعلیم مقدماتی خودش را در زادگاهش به انجام رسانیده برای تحصیل عالی عازم «پتنا» شد و بعد از فراگرفتن تعلیم در پتنا به دهلی آمد و مدرک فضیلت را به دست آورد و به حلقه مریدان حضرت خواجه لطیف قدس سره درآمد و به همین مناسبت لطیفی تخلّص می کرد. او نه فقط عالمی برجسته بود بلکه یک صوفی و درویش با کمال نیز بود. در هردو زبان فارسی و اردو تسلط و ید طولی داشت و مهارتی در زمینه نثر نیز نشان داد. صاحب دیوان بود و دیوان فارسی اش شامل ۵ غزل و یک خمسه به زبان اردو نیز هست و مشتمل بر ۱۵۲ صفحه است. در آخر دیوان زندگی نامه مختصری این شاعر مندرج است. در سال ۱۳۳۳ هجری چشم از جهان بست و مولانا شرف الدین قدس سره از تکیه لطیفیه گانگی، تاریخ وفاتش را نوشته است که از شعر زیر برمی آید:

شرف گفت سال وصالش به زاری بهرب جهان رفت جان لطیفی

نمونه کلام فارسی این شاعر بزرگ که از دیوان لطیفی انتخاب شده بدین قرار است:

ای خوشا مردی که گشت از وحدت جبار مست

بی هوای نفس اندر طاعت غفار مست

آفرین چشمی که آن گریان او باشد مدام

مرحبا آن دل که اندر سوزش آن یار مست

خوش تنی کز طاعتی دور از ریا رنگی گرفت

ای خنک جانی که گشت از باده اسرار مست

مولانا عارفی کامل بود و عارفانه شعر می سرود چنانکه از شعرش برمی آید مسلکش صلح کل بود و به جنگ و جدال مردم کاری نداشت. به مرحله وحدت الوجود رسیده بود که در آنجا فرق بین تسبیح و زنار نابود می شود. شعری که در این زمینه سروده است ملاحظه بفرمایید:

فارغان را با کسی هرگز خلاف و جنگ نیست

جاهلان هر ساعتی اندر خلافند و شقاق

*

عاشقا! تسبیح و زنار یکی شد بیشکی مذهب تو عشق آمد مشرب تو اشتیاق

به هر حال، علاوه بر دیوان لطیفی، او مکتوب فارسی که شامل ۴۴ مکتوب می‌باشد، دارد و مشتمل بر ۷۸ صفحه است. دیوان لطیفی در سال ۱۳۳۸ هجری در مطبع رحمانیه «مخصوص پور» چاپ شده است.

مکتوباتش به کوشش حضرت مولانا عابد چندی پوری در سال ۱۹۳۸ میلادی در چاپ سلیمانی، محله گای گهات در بنارس منتشر شده است.

علاوه بر شاعران معروفی که بر شمردیم، شاعران معروف دیگری که صاحب دیوان هم هستند از سرزمین پورنیا برخاسته‌اند و اشعاری عالی پایه را سروده‌اند. تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان و مورخان نیز هستند که آثار مطبوعه و غیر مطبوعه دارند ولی ما از کارهای آنان بی‌خبر هستیم و باید با آن کارها آشنایی پیدا کنیم تا خدماتی که ایشان در زمینه زبان و ادبیات فارسی انجام داده‌اند و با کوشش شاعران آن را غنی‌تر ساخته‌اند به فراموشی سپرده نشود.

منابع

۱. اکمل یزدانی جامعی: پورنیه پر فوجدارون کی حکومت، جنرل پرننگ پریس، کشن گنج پورنیه، ۱۹۹۳ م.
۲. بیوگی، پندت کرتیانند: "اهمیت تاریخی پورنیه"، مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ م.
۳. پرواز اصلاحی: "دیوار پورنیه مین چند ماه"، مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ م.
۴. طباطبایی عظیم‌آبادی، نواب سید غلام حسین بن نواب میر هدایت علی خان طباطبای (م: ۱۲۳۰ هـ/۱۸۱۵ م): سیرالمتأخرین، مطبع نولکشور، لکهنو، ج ۲.
۵. فوق بلگرامی، سید اولاد حیدر: تاریخ جدید صوبه اوریسه و بهار، مطبع اکبری، پتنا، آوریل ۱۹۱۵ م.
۶. هملتن، یوکانن: پورنیه رپورت، ۱۸۰۸ م.